

## استاد قاریخ، محمود محمود

بیست و هشتم آبان ماه مصادف است با سالروز خاموشی مورخی گرانقدر که نه تنها در حیاتش بلکه پس از بیست و نه سال که از مرگ او می‌گذرد هنوز چنانکه شایسته مقام علمی و اخلاقی اوست شناسانده نشده و مجهول‌القدر باقی مانده است.

محمود محمود فرزند محمدقلی خان و بیگم خانم، در سال ۱۲۶۱ شمسی در تبریز متولد شد. و در بیست و هشتم آبان ۱۳۴۴ در تهران خاموش گشت و در ابن بابویه مدفون است.

نام خانوادگی زنده‌یاد محمود «پهلوی» بود و در اولین شماره مجله پروین (۱۳۳۳ قمری) مقاله‌ایی درباره کتابخانه اسکندریه بقلم «محمودپهلوی» منتشر کرده است. در سال ۱۳۵۳ شمسی، دبیراعظم (فرج‌الله‌خان بهرامی) که از عاملان سردار سپه بود، نامه‌ای به او نوشت که نام خانوادگی دیگری برای خود انتخاب کند. زیرا آن اسم را حضرت سردار سپه برای خودشان برگزیده‌اند. محمود با شجاعت و صراحت پاسخ نوشت که: من تنها به نام «محمود» بسنده خواهم کرد، و این مطلب در روزنامه «شفق سرخ» نیز به آگاهی همگان رسانیده شد.

محمود تحصیلات اولیه خود را در تبریز و تهران تمام کرد. زبان انگلیسی را در کالج آمریکایی آموخت. آغاز کار اداری محمود، در اداره «حمل و نقل» بود که جزو وزارت پست به شمار می‌رفت. سپس بیش از سی سال در وزارت پست و تلگراف خدمت کرد. آخرین شغل او در آن وزارتخانه، مدیریت کل بازرسی بود و پس از آن بازنشسته شد.

محمود مردی آزاده بود و در عقاید آزادیخواهی اش راسخ و پایدار و در استحکام اخلاقی در



ادلاری بسته در خدمت  
آقای فریدون آرمیت  
تهران ۱۳۲۳/۴  
مهر

میان اهل سیاست از افراد ممتاز بلکه استثنایی شناخته شده بود. وجهه نظر فکری او عقلی بود، گرایش سیاسی اش همیشه ملی بود و سراسر شور و وطن خواهی. با دو چیز همواره سرچنگ و ستیز داشت: یکی حکومت فردی و استبدادی و دیگر استعمار و نفوذ اجنبی. در میدان عمل و در قلمرو فکر و نویسندگی همیشه همین طریق را پیمود.

گفتنی است در اعلامیه مشترکی که دو جناح ائتلافی حزب سوسیالیست (به عنوان «سوسیالیست اونیفیه») در ۱۳۰۲ شمسی خطاب به ملت ایران منتشر کرد، و به آینده تاریکی که حکومت اختناق و ترور سردار سپه جامعه مدنی را تهدید می نمود، هشدار داده است. نام محمود پهلوی و علی اکبر دهخدا را در زمره امضاء کنندگان آن می خوانیم.

کارنامه فعالیت سیاسی محمود محمود مقارن دومین دوره مجلس شورای ملی آغاز گردید. در آن زمان با تأسیس حزب دموکرات ریاست کمیته اجرائیه آنرا داشت. از دوستان نزدیک محمدامین رسول زاده و حیدرخان (معروف به حیدرعمو اوغلی) بود. او تا سال ۱۳۰۴ شمسی با آزادیخواهان همکاری مستمر داشت. یکبار هم در زمان رئیس الوزرای سردار سپه به حبس افتاد. بعدها، یعنی پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ از همکاران سیاسی قوام السلطنه بود. استاندار تهران شد و در همان ایام یک دوره نمایندگی مجلس شورای ملی را داشت.

محمود در اواخر عمر دچار ضعف بینایی گشت. اما نوشته مهدی بامداد (صفحه ۴۵ جلد چهارم شرح حال رجال ایران) مبنی بر اینکه او نابینا شده بود، ابدأ صحیح نیست و بی مأخذ است. در این باره گواهی دکتر فریدون آدمیت که تا لحظه واپسین او را می دید، معتبر است.

زمینه اصلی مطالعات محمود محمود تاریخ تمدن و تاریخ سیاسی ایران و اروپا در دو قرن اخیر بود. در فن تعلیم و تربیت نیز رسالاتی نگاشته است. نام قلمی خود را «رسول نخشی» (اشاره به ماه نخشب) برگزیده بود و بیشتر مقالات و بعضی از رساله‌هایش با همین عنوان منتشر گردیده است. از جمله مقالات درباره «تکامل یا انقلاب» در مجله آینده و سلسله مقالات در مجله تقدم با امضاء با رسول نخشی است.

محمود کتابخانه خوبی داشت. خاصه در رشته تاریخ تمدن و تاریخ تحولات سیاسی اروپا و آثار نویسندگان خارجی و سفرنامه‌هایی که درباره ایران نگاشته بودند. بسیار غنی بود. کتابخانه او روی هر کسی که با تحقیق و نگارش سروکار داشت، همیشه باز، و وی را مشوق و راهنما بود. از آن کسان دکتر فریدون آدمیت است که او را استاد عالیقدر خود می‌داند، همیشه و همه جا می‌ستایدش.

درنامه مفصل منتشر نشده‌ای که متن قطعاتی از آنرا اینجا می‌آوریم، با برخی ویژگی‌ها و رفتار مهربان و شیوه نامه نگاری خصوصی و شوق و علاقه زنده یاد محمود محمود به کار تحقیق در تاریخ سیاسی ایران نیکوتر آشنا می‌شویم. شرحی درباره فراهم آوردن زمینه انتشار اثر نامدارش، «تاریخ روابط سیاسی ایران» دارد که خواندنی است. این نامه را به تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۲۴ به فریدون آدمیت نگاشته:

«یگانه دوست باوفای من نامه مورخه ۳ مرداد ۲۴ سرکار عالی را دیروز زیارت نمودم از سلامتی وجود شریف فوق العاده مسرور شدم. مدت‌ها بود که از سرکار کاغذ نداشتم. رسیدن این نامه فوق العاده مرا خوشحال نمود و البته اطلاع دارید آقای تهمورث هم مدتی است رفته‌اند بنده دیگر از آدمیت خارج شده‌ام.....»

#### راجع به انتشار تاریخ روابط سیاسی ایران می‌نویسند:

«در باب چاپ تاریخ روابط سیاسی من اقدام نمودم چاپخانه علمی حاضر شده بطبع برساند. هزار جلد از هر کتابی یعنی از هر جلدی بطبع برساند و یکصد جلد آنرا به من بدهد. من نیز قبول نمودم ولی فعلاً مانع است. اظهار می‌دارد من با سرمایه خود بطبع برسانم. خیلی اصرار نمودم شاید راضی شود این کتابها بطبع برسد ولی تا حال نتیجه نگرفته‌ام. من تصور می‌کنم حال اگر موفق نشوم دیگر چنین فرصتی دست نیاید. ممکن است پیش آمده‌های سیاسی در ایران یقین دارم که پیش خواهد آمد که طبع این نوع کتابها را مانع شوند. در هر صورت این خانم مانع چاپ است. بعذر اینکه با سرمایه خود می‌خواهم چاپ شود. ماندن این‌ها برای بعد یک عیب دیگر هم دارد و آن اینست که من پیر بشوم و آن استعداد و پشت کار دیگر نخواهم داشت. حال می‌توانم در این مجلدها تجدید نظر کنم. معایب را رفع کنم. ولی فردا دیگر این قدرت و استعداد را نخواهم داشت. در هر حال تا امروز که موفق نشده‌ام کتابها را از چنگ ایشان دریابم. اگر شما اینجا بودید شاید اصرار و جدیت شما ممکن می‌شد این‌ها را از ید ایشان

حیثیت خرم و عظم

نادخبا ببال زیارت شد و بجهت خرمشاه ششم رسیدم که همراه شندست  
و منقح بپسید.

حال من خوبت و نیز روزی وقت خود را بیشتر در مطالعه می گذرانم و چون برنامه ترمیم را  
لله سیدم و دست هستم در حق مشغول مطالعه می گردم کتاب طبابت و طبیبیت و بیست و یک  
ایرندی بودم خنیه که آن استغفار کردم و به خبا ببال سپیدگی می کنم که اسیر می گردم  
که ضریف نام براتین می نویسم بخوانید زیرا بیست ساله خرمشاه را سیس انگلیس  
تک زیاده را می کند و خنیه خنیه خوب که بنا را معجزه کرد است.

۱۳۳

آدمی گرم که این نام مخفی فرست شما دلند و بر خفته یکبار نزد من می آید و هم می آید  
به هر دوین و عرضم مخفی فرست خبا ببال دلند.  
خنیه خرمشاه خرمشاه که هیئت از حال در تمام درستی می گویم و نامهای شما را بخوانم.  
پرتال جامع علوم انسانی لارنده - محسن

My Diaries  
Being a Personal Narrative of Events 1888-1914  
By  
Wilfrid Sturges Blunt  
New York Alfred A. Knopf - MCMXXIII

خارج کنید .....»

در ادامه مطالعات خود می‌افزاید :

« من دنباله مطالعات خودم را دارم . بعضی اوقات به کتابخانه مجلس هم می‌روم . اخیراً کتابی بدستم افتاد که به مقصود من کمک کرد . این کتاب در آمریکا به طبع رسیده است . نام و نشان کتاب از این قرار است :

THE ANGLO - RUSSIAN CONVENTION OF 1907.

BY ROGERS PLATT CHURCHILL,

THE TORCH PRESS, 1939

به نظر من نویسنده باید آمریکایی باشد . شخص مطلعی است از روی مطالعه و تحقیق مراجعه به اسناد نوشته است . به نظر چنین می‌آید که تمام منابع و مدارک را به دقت مطالعه نموده است . فقط عیبی که من در این کتاب دیدم آن کمی اطلاعات نویسنده از منابع ایران است . ایران را به خوبی شناخته است . در هر حال بسیار کتاب خوبی است .....»

راجع به آرشیو عمومی انگلستان می‌نویسد:

« در باب PUBLIC RECORD OFFICE نوشته بودید من تعریف آنرا زیاد شنیده‌ام ولی خودم مراجعه نکرده‌ام . امیدوارم جنابعالی استفاده کامل از آن بکنید . به اسناد تاریخی راجع به ایران مراجعه فرمائید من خیلی میل دارم نوشتجات میرزا حسین خان سپهسالار را بدانم چیست . آیا در اینجا سوابق از آنها پیدا می‌شود . مخصوصاً زمانی که در تاریخ  $\frac{1873}{1290}$  همراه ناصرالدین به لندن رفت و در آنجا راجع به مسائل ایران مکاتبه نموده‌اند . میرزا حسین خان فوق‌العاده به انگلیسیها ارادت‌مند بوده و تمام ترقیات او از انگلیسیها بوده ولی در این مسافرت از انگلستان مأیوس برگشت و به مقصود خود نرسید . خیلی میل دارم جنابعالی در سر فرصت به آنها مراجعه فرمائید شاید اطلاعاتی بدست آید و یک گوشه تاریخ روشن شود.»

سفارش او به فریدون آدمیت این است :

« جنابعالی هر چه می‌توانید اطلاعات خودتان را تکمیل کنید به هراسناد و مدارک تاریخی دریاب ایران برخورد می‌کنید از آن سواد بردارید مخصوصاً در قرن نوزده میلادی ( ۱۹ ) از حیث روابط سیاسی در این قرن حوادث و پیش‌آمدهای عجیب و غریب رخ داده است که اولیای امور امروزه ایران از آنها بکلی بی‌خبرند . علل و اسباب این پیش‌آمدها را نمی‌دانند . چه قدر مفید بود اگر رجال امروزی ایران مسبب اصلی آنها را می‌دانستند و این دانستن دلیل راه آنها می‌شد و خطا نمی‌کردند .»

راجع به انتشار بخش سوم کتاب امیر کبیر و ایران می‌گوید:

« قسمت سوم تاریخ امیر کبیر شروع بطبع شده ، حال قریب یکصد صفحه چاپ شده است . جوانی که متصدی این کار است بسیار جوان آراسته و جدی است .<sup>۱</sup> خیلی میل دارد این قسمت

# تعلیم و تربیت اطفال در مدارس

دبانه رساله تربیت اطفال در خانواده

تألیف

رسول «نخشی»

طهران خرداد ماه ۱۳۰۷ شمسی

از نشریات مؤسسه خاژ

چاپخانه خاور تهران لاله زار

# تاریخ روابط سیاسی

## ایران و انگلیس

دستورن نوزدهم

از چاپ بیرون آید. تا حال که بنده دیده‌ام بسیار خوب چاپ شده امید است تا دو ماه دیگر بکلی طبع آن تمام شود. بنده نیز به نوبت خود آنچه مراجعه کنند نظر می‌دهم.»

آثار محمود محمود

پس از شهریور ۱۳۲۰، محمود محمود با احتیاط خاص خودش، نخست آثار فرعی خود را که سالها پیش از آن تاریخ ترجمه و تألیف کرده بودند به چاپ رسانید و سرانجام بزرگترین اثرش «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم» را منتشر کرد.

توجه و دقت نظر و ژرف‌نگری در انتخاب تألیف و یا ترجمه به خوبی محسوس است. ترجمه کتاب «جنگ نفت» با آن مقدمه عمیق در زمان خود، گویای رازی سر به مهر بود. ارزنده‌ترین و بزرگترین اثر محمود محمود، همان «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم» در دوازده جلد است که تنها هشت جلد آن به چاپ رسیده است. بخشی از این کتاب بزرگ در سال ۱۳۱۲ و بخشی در سالهای ۱۳۱۶ و ۱۳۱۹ برای چاپ آماده شده بود. ولی تا سال ۱۳۲۸ زیر چاپ نرفت. او بنیانگذار تحقیق در تاریخ روابط سیاسی ایران است. از نظر روش تاریخی، انتقادی که بر این کتاب وارد است اینکه برخی فصول کتاب بطور مضبوط نوشته نشده. با این همه، نتیجه‌گیری‌های تاریخی او درباره سیر تاریخ سیاسی ایران درست و دقیق است؛ مستند به نوشته‌های معتبر.

کتابشناسی آثار محمود محمود

الف - آثار چاپ شده:

- ۱- مجموعه حکایات. تهران.
- ۲- تربیت اطفال در خانواده. تهران. خاور، ۱۳۰۶.
- ۳- تربیت اطفال در مدارس. تهران. خاور، ۱۳۰۷.
- ۴- مقدمه بر کتاب «امیر کبیر و ایران» تألیف فریدون آدمیت. بخش یکم. چاپ یکم، ۴۱ صفحه.
- ۵- ترجمه جنگ نفت. آنتوان موهر. تهران. مروج، ۱۳۲۴.
- ۶- ترجمه شهریار. مکیاولی. تهران. بنگاه آذر، ۱۳۲۴.
- ۷- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم. (هشت جلد آن در سالهای ۱۳۳۳ - ۱۳۲۸ به چاپ رسیده است.)
- ۸- مقاله‌های گوناگون که در مطبوعات زمان چاپ کرده است. مانند مقاله‌های «قربانیهای هند» که در روزنامه «پیکار» به مدیریت وثوق نظام پدیر عبدالحسین هژیر به چاپ رسید، و مقاله‌های دیگر که در مجله «تقدم»، «آینده»، «روزنامه طوفان» و «روزنامه شفق سرخ» نوشت. این مقاله‌ها را همانطور که اشاره کردیم به امضای «رسول نخشبی» چاپ می‌کرد.
- ب- آثار چاپ نشده:
  - ۱- تربیت اطفال در جامعه (یا: تربیت ایرانی برای جامعه ایران)
  - ۲- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، ۴ جلد.
  - ۳- خاطرات سی ساله یا سی سال در خدمت دولت. (این کتاب بخشی از سرگذشت اوست و آگاهی‌های تاریخی بسیار با ارزشی به دست می‌دهد.)
  - ۴- «یادداشت‌های بسیار راجع به نواحی و ممالک ترکمان نشین و ایالات خراسان، سیستان، بلوچستان، خلیج فارس، خوزستان، گرومانشاهان و کردستان از کتب زیادی که نویسندگان خارجی مخصوصاً خود انگلیس‌ها نوشته‌اند و دخالت‌های دولت انگلیس در مدت یکصد و پنجاه سال در نقاط نامبرده از روی اسناد و مدارک ... شاید از ششصد صفحه متجاوز باشد.»
  - (تاریخ روابط سیاسی، مقدمه جلد یکم ص ب و ج)
  - ۵- گذشته از این چند نمایشنامه از جمله «پسر امیر تومان» که در انتقاد قزاقخانه و با اشاره به کودتای ۱۲۹۹ نوشته و کاملاً جنبه سیاسی و اجتماعی دارد.

(در نگارش این مقاله از آگاهی‌های آقای دکتر فریدون آدمیت و مقاله آقای محمود کتیرایی در مجله نگین به تاریخ ۳۱ آذر ۱۳۴۷ بهره بردم.)

۱. منظور عبدالحسین بهمنی است که همشاگردی و دوست دکتر فریدون آدمیت بود که بر چاپ جلد سوم «امیر کبیر و ایران» نظارت داشت و به مرض سل درگذشت.